

سرگذشت پنجاه گمشده اقتصاد ایران

به کوشش:

فریدون شیرین کام

ایمان فرجام نیا

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱۱	درآمدی بر این تحقیق
۲۳	یادداشت
۲۷	حاج محمدحسن امین‌الضرب
۴۱	حاج معین‌التجار بوشهری
۵۷	حاج زین‌العابدین تقی‌یوف
۷۱	سید محسن آزمایش
۸۱	غلامرضا آگاه
۹۵	لئون آهارونیان
۱۱۷	ابوالحسن ابتهاج
۱۴۱	جعفر اخوان
۱۶۷	خلیل ارجمند
۱۷۵	حسینعلی البرز
۱۸۵	محمدرحیم متقی ایروانی
۱۹۷	عباسقلی بازرگان
۲۰۹	محمدتقی برخوردار
۲۲۹	حسن تفضلی
۲۴۱	برادران حاجی‌ترخانی
۲۵۱	علینقی خاموشی
۲۶۳	خاندان خسروشاهی
۲۷۹	علی خسروشاهی
۲۹۱	محمود خلیلی
۳۰۳	محسن خلیلی
۳۱۵	برادران خیامی
۳۳۱	برادران رستگار
۳۴۱	تقی رسولیان
۳۴۷	علی‌اکبر رفوگران
۳۶۳	سیدجلال سادات تهرانی
۳۷۷	منوچهر سالور
۳۹۱	محمدحسن شمشیری

۳۹۷	رضا صرافزاده
۴۱۱	همایون صنعتی‌زاده
۴۲۳	خلیل طالقانی
۴۳۵	شاهرخ ظهیری
۴۴۷	میرمصطفی عالی‌نسب
۴۵۹	اسدالله عسکراولادی
۴۷۳	برادران عمیدحضور
۴۸۷	محمدصادق فاتح
۵۰۵	حسین قاسمیه
۵۱۹	محمدحسین کازرونی
۵۳۵	سیدمحمد گرامی
۵۵۱	خانندان لاجوردی
۵۷۷	اکبر لاجوردیان
۵۸۹	محمود مانیان
۶۰۳	حاج حسین ملک
۶۲۳	علاءالدین میرمحمدصادقی
۶۳۷	محمدصادق نقوی
۶۴۳	خانندان نمازی
۶۵۳	محمدعلی نوید
۶۷۳	خانندان هراتی
۶۸۱	ابوالقاسم هرنندی
۶۹۱	محمد همایون
۶۹۹	برادران همدانیان
۷۱۷	منابع و مأخذ
۷۲۹	نمایه‌ها
۷۸۷	تصاویر

خانواده حاج محمدحسن امین‌الضرب

حاج محمدحسن امین‌الضرب ۱۲۷۷-۱۲۱۴ خ

عصر قاجار، آغاز مواجهه ایران با تحولات سیاسی و اجتماعی اروپا است. دو شکست پیاپی از روسیه (۱۸۱۳ و ۱۸۲۸ م) و ۱۱۹۲ و ۱۲۰۷ خ و شکست از انگلیس (۱۸۵۶ م / ۱۲۳۵ خ) منجر به جدا شدن ایالت‌های قفقاز، آسیای میانه و افغانستان از ایران شد. این حوادث، اندک‌اندک چشم دولت‌مردان و برخی از نخبگان را باز کرد و آنان پس از سه قرن غفلت به عقب‌ماندگی خود، خصوصاً در زمینه‌های نظامی، پزشکی و آموزشی پی بردند.

حاج محمدحسن امین‌الضرب، یکی از تجار برجسته ایران در نیمه دوم قرن نوزده بود که دامنه فعالیتش را در زمینه کریستال، فیروزه، الماس، پنبه، چای، قند، شکر، صابون، تریاک، شال، پشم و... از اصفهان به تهران، مسکو، پاریس، لندن و... گسترش داد. او در حدود سال ۱۸۳۴ / ۱۲۱۳ خ^(۱) در اصفهان در خانواده‌ای بازرگان و عمدتاً صراف متولد شد. پیش از تأسیس بانک، صرافان کار تبدیل پول، تشخیص مسکوکات و بانک‌داری را - در داخل و خارج کشور - انجام می‌دادند. به علت مشکلاتی که در حمل و نقل سکه وجود داشت، بازرگانان برای کار تجاری به صرافان متکی بودند. تجار به جای پرداخت پول به واردکننده یا خریدار، حواله‌ای به صراف خود در شهر مورد نظر می‌نوشتند و در قبال ارائه برات به صراف، وجه آن را به صورت نقدی می‌گرفتند. همین شغل بعدها نقش مهمی در زندگی امین‌الضرب ایفا کرد.

امین‌الضرب تا ۲۰ سالگی در اصفهان مشغول به کار بود. او روزها همراه پدرش محمدحسین و پدربزرگش، حاج مهدی به حجره‌شان - در بازار صرافان - می‌رفت. پدر

وی شغل صرافی و پدربزرگش زرگری داشت. محمدحسن و برادرش از همین طریق با مبادلات پولی، انواع مختلف فلزات گران‌بها، عیار سکه‌ها و درجه خلوص شمش‌ها آشنا شدند.

آموزش رسمی محمدحسن و برادرانش در حد مکتب‌خانه و محدود به نوشتن، خواندن و خوشنویسی بود. آنان به معلم خصوصی - که مختص به طبقات مرفه بود - دسترسی نداشتند. فوت زود هنگام پدر، به شدت بر وضعیت اقتصادی، خانواده اثر منفی گذاشت و امکان آموزش‌های عمیق‌تر را از بین برد؛ از این‌رو محمدحسن، بعد از اتمام مکتب، مجبور به کار شد.

حاج مهدی، پدربزرگ محمدحسن در ایام نوجوانی وی درگذشت. پسرش، محمدحسین، وارث حرفه خانوادگی شد و در حدود سال ۱۸۴۴م/ ۱۲۲۳خ - در حالی که محمدحسن ۱۰ ساله بود - برای فعالیت اقتصادی به کرمان رفت و چند سالی مقیم آنجا شد. احتمالاً شغل وی خرد کردن برات و سفته‌های دولتی بود. بعد از مرگ محمدشاه (۱۸۴۸م/ ۱۲۲۷خ) اوضاع اقتصادی کشور خراب شد و برات‌های دولتی بی‌اعتبار گردید. به علت محدودیت حمل‌ونقل و نبودن پست‌خانه منظم در جنوب کشور، خانواده امین‌الضرب از وی خیر نداشتند؛ تا اینکه مسافری از کرمان خبر آورد که محمدحسین در کارش موفقیتی نداشته و بیمار است. بی‌بی ماه خانم، مادر محمدحسن با فروش برخی از وسایل زندگی، اسباب سفر پسر جوانش را به کرمان فراهم کرد؛ تا این شهر ۶۵۰ کیلومتر مسافت بود و حدود ۳ تا ۴ هفته طول می‌کشید تا به آنجا برسند. سفر به این منطقه کاملاً خشک و لم یزرع، علاوه بر مشکلات جوی، با خطر وجود دزدان و راهزنان مسلح، همراه بود.

زمانی که محمدحسن به کرمان رسید، پدرش فوت کرده بود. او هنگام اقامت در کرمان ازدواج مجدد کرده بود. درآمد وی صرف مداوا و مهریه همسر دومش شده بود. در نتیجه، مشکلات محمدحسن پس از فوت پدر بیشتر شد؛ در نهایت مجبور شد با دادن سفته در ازای بدهی‌ها مسئله را حل کند. مدتی بدون هیچ پول و دوستی در کرمان سرگردان بود؛ تا این‌که توانست از چند بازرگان اصفهانی مقیم کرمان، برای بازگشت خود پولی قرض نماید و این، اولین تجربه محمدحسن در آغاز جوانی و در شهری

ناآشنا بود. وی پس از بازگشت به اصفهان مورد حمایت دوست خانوادگی‌شان، حاج محمدکاظم صراف - که بازرگان مشهوری بود - قرار گرفت. حاج محمدکاظم با اعطای قرض به وی کمک کرد تا دیون خود را بپردازد و وی را در حجره‌اش - به عنوان شاگرد - به کار گرفت. در عین حال اندک سرمایه‌ای به او داد که تا در کنار کار در حجره، برای خود، به طور مستقل کار نماید. در همین زمان برادرانش، ابوالقاسم و محمدرحیم نیز به عنوان شاگرد، در حجره بازرگان دیگری، مشغول به کار شدند. به علت سن کم و بی‌تجربگی به دو برادر دستمزدی داده نمی‌شد، تنها، پول ناهار را می‌گرفتند. مادرشان نیز در منزل، طناب، دگمه، تزئینات و روبند درست می‌کرد و به مغازه‌ها می‌فروخت. زندگی آن‌ها مدتی به این طریق گذشت تا این‌که محمدحسن با استفاده از سود معاملات شخصی توانست قرض خانواده را بپردازد؛ علاوه بر آن صد تومان برایش باقی ماند که بخش زیادی از آن را به خانواده داد و با مقداری از آن به تهران آمد. اولین آزمون کار مستقل در ابتدای جوانی و در حجره حاج محمدکاظم صراف، نشانگر ظرفیت‌های محمدحسن برای کسب سود بیشتر در سخت‌ترین شرایط بود.

مهاجرت او به تهران و گام گذاشتن در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، نقش مؤثری در توسعه فعالیت امین‌الضرب داشته است. محمدحسن در ایام جوانی (سال ۱۸۵۳م/ ۱۲۳۲خ) برای شروع کار مستقل، تنهایی به تهران آمد. دارایی او شامل عبا، چرتکه، ترازو، یک الاغ، صد ریال - و به روایتی ۲۶۰ ریال - پول نقد بود.^(۲)

در مورد سال‌های اولیه کار حاج محمدحسن در تهران، اطلاعات مختلف و متناقضی - از دست‌فروشی تا صرافی - نقل کرده‌اند. بنا به روایتی در بازار، برای خرید طلا و سکه‌های خارجی از بازرگانان سفارش می‌گرفت، کالاهای سفارش شده را از مغازه‌ها می‌خرید و آن‌ها را با سودی به مشتریان می‌فروخت. در این حال از فروش هیچ کالایی روی‌گردان نبود. مشتریان او تجار، صرافان و اعیان بودند. آشنایی و نسبت او با صرافان اصفهانی مقیم تهران در فعالیت تجاریش نقش مهمی داشت.

محمدحسن در عرض هشت ماه حدود ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ تومان سود خالص، کسب کرد. مقداری از این پول را برای مادرش به اصفهان فرستاد؛ تا قرض‌های عقب‌مانده و